

اسلام و ایران در نگاه راست مسیحی آمریکا

کوروش احمدی

درآمد

سنا در انتخابات نوامبر و پیروزی مجدد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ نمود. شکل گیری این جریان به سالهای اولیه دهه ۱۹۸۰ باز می گردد و مجموعه ای از خواستها و مطالبات عمدتاً اجتماعی انگیزه اولیه حرکت پیشگامان آن بوده است. مخالفت مسیحیان دست راستی طی این دو دهه با آنچه که «شر اجتماعی» می دانند مانند، سقط جنین، همجنس گرایی، فمینیسم، سکس و خشونت در رسانه ها و... تلاش آنها برای تثبیت و تحکیم آنچه «خیر اجتماعی» می شمرند، مانند خانواده سنتی، دعا در مدارس و... تدریجاً آنها را به تلاش برای کسب نفوذ سیاسی با هدف نیل به اهداف اجتماعی ترغیب کرده است. این جریان

آنچه که از آن با عنوان «راست مسیحی» یا «صهیونیسم مسیحی» یا «بنیادگرایی مسیحی» یاد می شود از جریانهای سیاسی بالنده در آمریکا است که طی دو دهه گذشته توانسته است نقش بیش از پیش مهمی در روند تصمیم گیریهای سیاسی در واشنگتن ایفا نماید. این جریان نقش بسیار برجسته ای در انتخاب جرج بوش به ریاست جمهوری آمریکا و غلبه او در مرحله مقدماتی بر رقیب جمهوری خواهش، جان مک کین، و نهایتاً بر ال گور داشت. جریان مذکور همچنان یکی از پایه های مهم قدرت جرج بوش است و کمک فراوانی به جمهوری خواهان برای باز پس گیری کنترل

یا حداقل جناحی تندرو در درون آن از بازسازی جامعه بر مبنای قوانین انجیلی سخن می‌گوید، احیای برخی مجازات‌های انجیلی مانند سنگسار را مطلوب می‌داند و خواستار جرم شمرده شدن برخی اعمال مانند زنا، همجنس بازی و اشاعه عقاید جعلی است.

راست مسیحی تقریباً تمامی توان سیاسی و اجتماعی و نیز بنیه مالی خود را از پیروان یکی از فرقه‌های پروتستان در آمریکا یعنی پیروان کلیسای انجیلی می‌گیرد، فرقه‌ای که شمار پیروان آن در آن کشور به ۷۰ میلیون نفر می‌رسد.

مطابق برخی برآوردها حدود ۱۰ درصد از تعداد کل آرای که در ادوار اخیر انتخاباتی در آمریکا به صندوقها ریخته شده متعلق به پیروان این جریان است. این بدان معنی است که با توجه

به تعلق راست مسیحی به طیف جمهوری خواهان و اینکه این طیف معمولاً نیمی از آراء را به دست می‌آورد، راست مسیحی ۲۰ درصد از آراء جمهوری خواهان را در کنترل خود دارد. این امر میزان نفوذ مسیحیان دست راستی بر حزب جمهوری خواه و مقامات منبعث از آن را نشان می‌دهد.

شناخت راست مسیحی از چند جهت حایز اهمیت است:

- ۱- راست مسیحی، خصوصاً در دوره کنونی و تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی، نقش مهمی در روند تصمیم‌گیری سیاسی در واشنگتن داشته و خواهد داشت. درک کنش و واکنشهایی که به تصمیم‌گیری سیاسی در قوای مجریه و مقننه

آمریکای انجامد، مستلزم شناخت این جریان و جریانات مشابه است. با توجه به اینکه داده‌های عینی اقتصاد کلان و توان بالفعل نظامی حکایت از آن دارد که آمریکا در حال حاضر تنها ابرقدرت موجود در جهان است، نداشتن شناختی عینی و دقیق از روند پیچیده تصمیم‌گیری سیاسی در آمریکا و عوامل مؤثر در آن می‌تواند مخاطرات عظیمی را برای قدرتهای متوسط و کوچک جهانی در پی داشته باشد.

۲- راست مسیحی دارای نقطه نظرات روشنی در امور بین‌المللی است و توفیقاتی نیز تاکنون از جهت تحمیل نظرات خود بر دولتهای پیشین و کنونی آمریکا داشته است. پیگیری حساسیتهای اجتماعی در سطح بین‌المللی و همبستگی مسیحی و... از آن جمله‌اند.

۳- راست مسیحی به تاسی از خاستگاه فرقه‌ای و آموزه‌های دینی اهمیت فوق العاده‌ای برای دعوت پیروان دیگر مذاهب به مسیحیت قائل است و فعالیتهای گسترده‌ای را در این زمینه سازمان داده است.

۴- سران راست مسیحی تاکنون دشمنی آشکاری با اسلام از خود بروز داده‌اند و تعبیرات اهانت آمیزی، خصوصاً طی دوره بعد از ۱۱ سپتامبر، علیه اسلام و رهبران اسلامی به کار برده‌اند.

۵- راست مسیحی، علی‌رغم مشکلات عقیدتی با یهودیت و اختلاف با یهودیان در مسائل اجتماعی، از اجزاء مهم لابی طرفدار اسرائیل در آمریکا به شمار می‌رود. مبنای حمایت پیروان

این جریان از اسرائیل عقاید دینی خاص آنها است. بر همین مبنا آنها، مانند صهیونیستها و جناح راست در رژیم اسرائیل، حقوق ملی مردم فلسطین را نفی می کنند. به همین دلیل از آنها با عنوان «صهیونیستهای مسیحی» نیز یاد می شود.

۱- مبانی عقیدتی^۱

پیروان کلیسای انجیلی در آمریکا که حدود یک چهارم جمعیت آمریکا (۷۰ میلیون نفر) را شامل می شوند و تعدادشان روبه رشد است، مهم ترین خاستگاه نظری راست مسیحی است. هسته مرکزی پیروان این فرقه مطلق گرا و معتقد به نبرد دائم بین خیر و شر است. «بازگشت دوم

حضرت مسیح» و «آخر زمان» بعد از طی مراحل که نهایتاً به آنچه «جنگ و ویرانی بزرگ»^۲ می نامند، از جمله مبانی اعتقادی این جریان است.

بر مبنای چنین اعتقاداتی حضرت مسیح روزی به زمین بر خواهد گشت و برای ۱۰۰۰ سال حکومت خواهد کرد و اقدامات او طی ۷ مرحله یا dispensations صورت می گیرد. اکنون مرحله ششم، یا مرحله کلیسا، است و مرحله بعد مرحله آخر زمان یا end-time خوانده می شود و طی آن حضرت مسیح به سوی زمین

رو می کند و مؤمنان مسیحی را حیات دوباره می بخشد. سپس ضد مسیح^۳ در زمین ظاهر خواهد شد و خود را به دروغ منجی یهودیان خواهد خواند. برخی معتقدند که آنچه که

- موجب باور برخی به او خواهد شد این است
2. Armageddon
 3. Antichrist
 4. Tribulation
 5. Armageddon
 6. Left Behind by Tim LaHay

که اوقادر به اعاده صلحی ظاهری در خاورمیانه خواهد شد. حکومت ضد مسیح ۷ سال به طول خواهد انجامید و دوره «رنج یا آزمایش بزرگ»^۴ خوانده خواهد شد. در نیمه اول این دوره ضد مسیح صلح ظاهری را برقرار خواهد داشت و در نیمه دوم علیه اسرائیل اقدام خواهد کرد. او به ترتیب مجموعه گناهان بشر را کامل کرده و حکم نهایی خدا را موجب و شروع دوره ای بی سابقه از جهت آزار یهود را باعث خواهد شد. این دوره با محاصره اورشلیم (بیت المقدس) به وسیله ملتهای متخاصم که قصد نابودی آن را دارند خاتمه خواهد یافت و صحنه برای نبرد نهایی^۵ آماده خواهد شد...

پیروان کلیسای انجیلی معتقدند که در این مرحله حضرت عیسی، سوار بر اسبی سفید، به زمین بر خواهد گشت، و در پی او سواره نظامی مرکب از مؤمنان که از ابرها سرازیر خواهند شد، حرکت خواهند کرد. عیسی مسیح پیروزمندانه وارد جنگ خواهد شد، معابد باستانی یهودیان را احیا و حکومتی هزار ساله را آغاز خواهد کرد، بهشتی و زمینی جدید رانشان خواهد داد و شیطان را برای همیشه خاموش خواهد ماند.^(۱)

کتاب «برجای مانده»^۶ نوشته تیم لاهه که تشریح کننده چنین اعتقاداتی است و تاکنون در

۱. در این قسمت هدف ارائه ایده ای کلی از عقاید دینی غالب در جریان راست مسیحی است. ورود در مباحث دین شناسی مربوطه هم خارج از حوصله این مختصر است و هم مافوق توان این نگارنده.

تلاشهایی از نوع «روند صلح» و «موافقتنامه‌های اسلو» به دیده شک می‌نگرد.

همان طور که مشاهده خواهیم کرد عقاید دین‌شناختی (تئولوژیک) راست مسیحی به نوبه خود مبنای اصلی جانبداری این جریان از اسرائیل و پایگاه سیاسی قابل توجهی برای طرفداران لیکود در آمریکا و عملکرد کسانی چون شارون در اراضی اشغالی فراهم آورده است. بر این مبنای ایجاد اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تحقیق یک «پیشگویی پیامبرانه» و مقدمه عملی شدن پیشگوییهای دیگر بوده است. از این جهت ملاحظات استراتژیک یا سیاسی یا ارزشهای مشترک و امثال آن مبنای جانبداری جریانهای غیرمذهبی از اسرائیل است، نقش عمده‌ای ندارد.

البته بحث آخر زمان در فرقه‌های مختلف مسیحیت به گونه‌های مختلف مطرح شده است و حتی در داخل جریان راست مسیحی نیز تفاوت‌هایی در نگرشهای بخشهای مختلف آن به مسئله آخر زمان و ربط آن با کشور اسرائیل وجود دارد. برخی از اینان حاکمیت خدا را به گونه‌ای موسع می‌بینند و بر این مبنای معتقدند که خدا قادر به انجام هر آنچه که اداره کند، هست و لذا ضروری نیست که وسیله به

۱۲ جلد انتشار یافته، مجموعاً بیش از ۵۰ میلیون فروش داشته است. در این مجموعه کتابها اعتقادات مسیحیان انجیلی در مورد نبردهایی که قبل و در جریان «بازگشت دوم» مسیح به وقوع خواهد پیوست، تشریح شده است. برخی از پیروان این جریان بر این مبنای که حرکت در جهت برخورد نهایی نباید مختل یا کند شود، نسبت به بسیاری از اقداماتی که در سطح بین‌المللی صورت می‌گیرد، نظر منفی دارند. آنها، از جمله، دبیرکل سازمان ملل را که وظایفی در مورد حفظ صلح دارد، در جهت ضد مسیح^۷ می‌دانند. بسیاری از آنها در پی حوادث یازده سپتامبر و درگیریها در فلسطین بسیار فعال شده و آنها را دلایل دیگری بر اجتناب ناپذیر بودن «جنگ و ویرانی بزرگ» یافته‌اند. به قول دوايت گیبسون مدیر «ائتلاف جهانی انجیلیها»^۸ «خسونت‌ها مردم را به فکر انداخته که آیا مسیح در حال ظهور است.»^(۲)

آنچه از نظر بحث ما مهم است این است که مسیحیانی که پروتستان انجیلی شمرده می‌شوند و ظاهراً به درجات مختلف دارای چنین عقایدی هستند، بزرگترین فرقه مسیحی در آمریکا را بوجود آورده‌اند؛ اگر چه روشن نیست که چه بخشی از آنها اصولاً به این عقاید باور دارند و چه بخشی ندارند.^۹ به هر حال، بر مبنای چنین عقایدی راست مسیحی در آمریکا برقراری صلحی پایدار، جامع و حقیقی در خاورمیانه را تا قبل از آمدن «منجی» و وقوع «نبرد نهایی» نه تنها مشکل بلکه غیرممکن می‌داند و نسبت به

7. Anti-Christ

8. Dwight Gibson of World Evangelical Alliance

۹. سری کتابهای «برجای مانده» Left Behind Series که تاکنون در ابزارهایی است که چنین عقایدی را در سطح وسیعی در آمریکا و جهان ترویج می‌کند.

خصوصی (دولت به خصوصی) وجود داشته باشد تا خدا بتواند هدف به خصوصی را محقق سازد. به علاوه موضوع تشکیل اسرائیل تا جنگ دوم به عنوان موضوعی جدی مطرح نبود و تنها بعد از این جنگ جدی شد.^(۳) این واقعیت که نزدیک به دو هزار سال اعتقادی که رژیم اسرائیل از محورهای آن به شمار می‌رود، نقشی در مسیحیت نداشته است، از بزرگ‌ترین نقاط ضعف این اعتقاد است.

دربین برخی از انجلیها اعتقاد راسخی وجود دارد مبنی بر اینکه شکل‌گیری حکومت ضد مسیح نزدیک است و در اثر آن یک دیکتاتوری سیاسی و اقتصادی شدید حاکم خواهد شد به نحوی که حتی برای خرید و فروش معمولی نیز احتیاج به کسب اجازه قبلی خواهد بود. اینان اعتقاد دارند که برای تقویت چنین رژیمی یک پیامبر دروغین توانا و یک مذهب جهانی به وجود خواهد آمد.

البته همه هواداران جریان راست مسیحی الزاماً به این گونه عقاید پایبند نیستند، و اعتقادی به مراحل هفت‌گانه^{۱۰} ندارند، بلکه بعضاً پذیرفته‌اند که آموزه‌های انجیلی باید با شرایط عصر جدید انطباق داده شده و بازگشت به قوانین انجیلی و تحقق قطعی آنها ممکن است قرن‌ها به طول انجامد.^{۱۱} اما رهبران سیاسی و مبلغین راست مسیحی مانند پاتریک رابرتسون و جری فالول^{۱۲} و در واقع اکثر مبلغین تلویزیونی و نیز میلیون‌ها تن از پیروانشان معمولاً دارای اعتقادات افراطی هستند.^(۴)

یکی دیگر از مبانی اعتقادی کلیسای انجیلی اعتقاد به حضرت مسیح به عنوان تنه‌مانجی است. این در حالی است که پیروان دیگر فرقه‌های لیبرال‌تر پروتستانیسم مانند، پرسبب‌ترینها و متودیستها، حضرت مسیح را یکی از راههای نجات می‌دانند. این امر به ویژه یکی از مبانی اعتقادی مهمی است که باعث گرایش شدید انجلیها به دعوت نه تنها پیروان دیگر ادیان بلکه پیروان دیگر فرقه‌های مسیحی به کلیسای انجیلی شده است.

۲- راست مسیحی و مسائل اجتماعی

تنها یک روز بعد از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر، پاتریک رابرتسون و جری فالول، دو تن از رهبران شاخص راست مسیحی، همراه با هم در برنامه کلوب ۷۰۰ در شبکه تلویزیونی مسیحی CBN که از مهم‌ترین ابزار تبلیغی این جریان است، شرکت کردند. در این برنامه جری فالول چنین گفت: «خدا به برداشتن پرده ادامه می‌دهد و به دشمنان آمریکا اجازه می‌دهد تا آنچه را احتمالاً شایسته ما است، علیه ما انجام دهند.» فالول با تأیید رابرتسون اضافه کرد: «طرفداران سقط جنین، فمینیستها، همجنس‌گرایان که فعالانه در پی تغییر راه و رسم زندگی هستند، اتحادیه آزادیهای مدنی آمریکا... و تمام آنها که کوشیده‌اند تا آمریکا را یک کشور عرفی

10. dispensationalism

۱۱. این گروه از پیروان کلیسای انجیلی reconstructionists نامیده می‌شوند.

12. J. Falwell

رابطه جنسی قبل از ازدواج و همجنس‌گرایی مدارا دارد، پیشرفت فمینیسم، آزادی سقط جنین، پیدایش بیماری ایدز و پیشبرد حقوق همجنس‌بازان، افزایش طلاق، افزایش سکس و خشونت در رسانه‌ها، نگرانی از کاهش دستاوردهای آموزشی، یا عکس‌العمل مستقیمی را باعث شدند یا محیط مناسبی را برای فعالیت راست مذهبی پدید آوردند.

در اوایل دهه ۱۹۸۰ جری فالول، واعظ انجیلی و سازمانش، اکثریت اخلاقی،^{۱۳} شناخته شده‌ترین نماینده راست مسیحی بودند. بعد از تعطیل شدن این سازمان در سال ۱۹۸۶ رهبران و گروه‌های دیگری با سازماندهی بهتر و پیچیدگی سیاسی بیشتر و ارتباط قوی‌تر با مقامات ذی نفوذ در واشنگتن رشد کردند. «ائتلاف مسیحی» به سردمداری رالف رید، یک فعال سیاسی - اجتماعی، پاتریک رابرتسون، یک چهره تلویزیونی معروف، «خانواده در مرکز توجه»^{۱۵} به رهبری جیمز دابسن، برنامه ساز رادیویی معروف، گری بوور^{۱۶} از مشاوران اصلی ریگان و رهبر «شورای تحقیق خانواده»،^{۱۷} زنان نگران آمریکا^{۱۸} که بزرگ‌ترین سازمان زنان فعال در آمریکا است، انجمن خانواده آمریکا^{۱۹} که رسانه‌ها آمریکایی را که دارای محتوای

(سکولار) تبدیل کنند، همه آنها را من خطاب قرار می‌دهم و به آنها می‌گویم که شما به وقوع چنین حادثه‌ای کمک کردید.»^(۵)

انگیزه اولیه فعالیتهای راست مذهبی در درجه اول همان انگیزه‌ای است که همه محافظه‌کاران مذهبی را به فعالیتهای سیاسی می‌کشاند: بی‌اعتمادی به دولتهای عرفی، مخالفت با تهدیدهای واقعی و فرضی علیه نهاد خانواده سنتی، عزم جزم نسبت به اشاعه و عمل به اعتقادات بدون مانع و محدودیت... در مورد راست مسیحی اعتقاد به لزوم اجرای دستور مسیح مبنی بر بردن پیام مسیح به سراسر جهان نیز انگیزه نیرومند مضاعفی فراهم کرده است. گرایشهای مختلف راست مسیحی اگر چه ممکن است در زمینه مسائل اعتقادی با هم اختلافاتی داشته باشند اما در مورد لیستی از دشمنانشان هم عقیده‌اند، لیستی که حاوی لیبرالها، رسانه‌ها، همجنس‌گراها، فمینیستها، خانواده‌کندی، خانواده کلینتون، بوروکراتها، انسان‌گرای عرفی،^{۱۳} بی‌اعتقادان به خدا، طرفداران سقط جنین، طرفداران دولت بزرگ، هالیوود، رهبران نهضتهای اجتماعی در دهه ۱۹۶۰، بخش عمده محافل دانشگاهی و... است. منتقدان و ناظران هر دومی پذیرند که حرکت راست مسیحی در اساس، جنبه واکنشی دارد. طی ۴۰ سال گذشته شماری از وقایع و تحولات مانند تصمیمات دیوان عالی آمریکا مبنی بر ممنوع کردن دعا و قرائت انجیل در مدارس دولتی، آموزش جنسی در مدارس که نسبت به

13. Secular humanists

14. Moral Majority

15. Family in Focus 16. Gary Bauer

17. Family Research Council

18. Concerned Women for America

19. The American Family Association

خشونت آمیز است تحت نظر دارد، تعداد زیادی از گروه‌های مؤتلفه که علیه سقط جنین و همجنس‌گرایان فعالیت می‌کنند، گروه‌هایی که خواستار کوپن آموزشی^{۲۰} هستند که به خانواده‌ای مذهبی امکان می‌دهد تا فرزندان خود را به مدارس خصوصی مذهبی بفرستند، و تنها بخشی از اشخاص و گروه‌های بی‌شماری هستند که در پیشبرد برنامه‌های اجتماعی و سیاسی راست مذهبی در آمریکا می‌کوشند.

رهبران این جریانها چند بار در سال در چارچوب جلسات «شورای سیاست ملی»^{۲۱} که یک سازمان نه‌چندان پرسروصداست گرد هم می‌آیند. مدیران سازمانهای خبری اعم از رادیو، تلویزیون و رسانه‌های نوشتاری، برخی اعضای کلیدی کنگره مانند دیک آرمی، (جمهوری خواه) از تکزاس و رهبر اکثریت در مجلس نمایندگان) تام دیلی (جمهوری خواه از تکزاس و ناظم گروه پارلمانی در مجلس نمایندگان)، سناتورهای ترنت لات (جمهوری خواه از ماساچوست) و در گذشته جسی هلمز (جمهوری خواه از نبراسکا) و نظریه پردازان محافظه کاری مانند اولیویه نورث پل ویریچ^{۲۲} و مهم‌ترین تأمین کنندگان مالی آنان مانند اعضای خانواده‌های ثروتمندی مانند کورس و دی ووس^{۲۳} از جمله کسانی هستند که معمولاً در این جلسات شرکت می‌کنند.^(۶) در میان جمع تعداد قابل توجهی از افراد و جریانهایی که معتقد به بازسازی جامعه بر مبنای تبعیت کامل از قانون انجیلی، از جمله، شامل احیای سنگسار و دیگر مجازاتهای مشابه

برای جرایمی که در انجیل جرم شناخته شده مانند زنا، همجنس بازی و اشاعه عقاید جعلی هستند.^(۷)

راست مسیحی با اطلاع از اینکه در اقلیت است، می‌کوشد تا ضعف عددی خود را از طریق استفاده گسترده از تکنولوژیهای اطلاع‌رسانی جبران کند. کسانی مثل رابرتسون و دابسون و دهها هم فکر آنها روزانه از طریق رادیو و تلویزیون صدای خود را به میلیونها نفر می‌رسانند. همگی از کامپیوتر و اینترنت برای شناخت و ارتباط با هواداران، جمع‌آوری کمک مالی، تبلیغات و بسیج، راه انداختن سیلی از ایمیل و دورنگار و تماس تلفنی با کنگره و مجالس ایالتی با هدف اثرگذاری بر فعالیتهای سیاسی استفاده می‌کنند. تأکید بسیار آنها بر تشکیلات و سازمان‌دهی نیز به همان اندازه قابل توجه است.

شمار و برد رسانه‌هایی که به طور کلی در اختیار نیروهای مسیحی در آمریکا است واقعاً اعجاب آور است. در آمریکا ۲۰۰ ایستگاه تلویزیونی مسیحی و ۱۵۰۰ ایستگاه رادیویی مسیحی وجود دارد که تقریباً همه آنها انجیلی است و اکثر آنها حداقل بعضی برنامه‌هایی را که توسط رهبران راست مسیحی تهیه می‌شود، پخش می‌کنند. کلپ ۷۰۰ که یکی از برنامه‌هایی است که توسط پاتریک رابرتسون ساخته می‌شود،

20. Education voucher

21. The Council for National Policy

22. Weyrich

23. Coors and DeVos

روزانه یک میلیون بیننده دارد و شبکه صوتی و تصویری مسیحی ۲۴ ساعته و به ۹۰ کشور و به ۴۰ زبان برنامه می‌فرستد. گروه جیمز دابسون بخشی از بودجه ۱۱۴ میلیون دلاری خود را برای تهیه هشت برنامه رادیویی که مهم‌ترین آنها، یعنی برنامه روزانه نیم‌ساعته «توجه به خانواده» حدود ۵ میلیون شنونده در هفته دارد، صرف می‌کند. سازمانهای دیگر راست مسیحی نیز مشابه همین برنامه‌های رادیویی را تولید و پخش می‌کنند.^(۸) برنامه‌هایی که نه تنها قابلیت بسیج‌کننده بالایی دارند بلکه انگیزه و روحیه خاصی نیز برای پیشبرد مأموریت‌های موردنظر در هواداران ایجاد می‌کنند، به نحوی که مشابه آن در دیگر جریانهای سیاسی به ندرت یافت می‌شود.

دو عامل مهم دیگر قدرت مسیحیان دست راستی سخاوت آنها در ارائه کمک‌های مالی برای پیشبرد اهدافشان است. این واقعیت که پیروان کلیسای انجیلی از مذهبی‌ترین و در عین حال از ثروتمندترین اقشار جامعه آمریکا هستند، زمینه مناسبی برای تأمین مالی فعالیت‌های راست مسیحی فراهم آورده است. گفته می‌شود که مذهب یون انجیلی ۱۰ درصد از درآمدهایشان را بعد از کسر مالیات به امور عقیدتی و خیریه اختصاص می‌دهند. (پرداخت عشر ۲۵ بر مبنای تعالیم انجیلی واجب شمرده می‌شود). نتیجه اینکه ۱۵ مؤسسه خیریه مسیحی بزرگ سه میلیارد دلار کمک در سال جاری جمع‌آوری می‌کنند.^(۹)

۳- راست مسیحی و سیاست داخلی آمریکا

راست مذهبی در آمریکا را نباید یک جریان

24. Christian Broadcasting Network

25. tithe

حاشیه‌ای به شمار آورد. پروتستانهای انجیلی^{۲۶} سفید پوست که خواستگاه اصلی راست مسیحی است، حدود ۷۰ میلیون نفر از جمعیت ۲۷۰ میلیونی آمریکا را تشکیل می‌دهند. این بخش از جمعیت آمریکا ۲۵ درصد از کل آرای را که در رأی‌گیریها به صندوق ریخته می‌شود در اختیار دارد. این یعنی سه برابر شمار سیاه‌پوستان مسیحی رأی‌دهنده، ۴ برابر رأی‌دهندگان غیرمذهبی و ۱۲ برابر یهودیان رأی‌دهنده خود را علناً موافق راست مسیحی اعلام می‌کنند. اما این بخش از پروتستانها به کل جمعیت آمریکا هم تحصیل کرده‌تراند و هم درآمد بیشتری دارند و هم احتمال تصدی سمتهای مدیریتی و مشاغل آزاد توسط آنها بیشتر است. مطابق تحقیقی که در سال ۱۹۹۴ به عمل آمده این گروه از مسیحیان حداقل در ۱۸ ایالت در حزب جمهوری خواه غالب‌اند و در حداقل ۱۳ ایالت دیگر از نفوذ عمده‌ای برخوردارند؛ وضعیتی که جمهوری خواهان متعارف غیرقابل درک و دیوانه‌کننده می‌نامند.^(۱۰)

سو حزب جمهوری خواه به صندوقها ریخته می‌شود در کنترل راستهای مسیحی است. برخی تا ۲۸ درصد آراء جمهوری خواهان را در کنترل راست مسیحی می‌دانند.^(۱۱) طبیعی است که برخورداری از چنین کنترلی قدرت بسیار زیادی در داخل حزب جمهوری خواه به راست مسیحی می‌دهد. به علاوه، راستهای مسیحی در سطح شوراهای محلی که کمتر مورد توجه سیاستمداران و رأی‌دهندگان است بسیار فعال‌اند و پیشرفتهایی در به دست گرفتن کنترل این شوراها و نیز تشکیلات محلی حزب جمهوری خواه داشته‌اند. باتوجه به برخورداری جریان راست مسیحی از چنین موقعیتی، سیاستمداران جمهوری خواه می‌دانند که چنانچه در مقابل آنها قرار گیرند، آینده سیاسی‌شان با مشکل مواجه خواهد شد. همان‌طور که مشاهده خواهیم کرد تجربه سناتور جان مک‌کین در جریان انتخابات مقدماتی حزب جمهوری خواه در سال ۲۰۰۰ مثال روشنی در این زمینه است.

همچنین در بین ناظران تقریباً اتفاق نظر وجود دارد که راست مسیحی حدود ۱۰ درصد از آرای که به صندوقها ریخته می‌شود را در کنترل خود دارد. با توجه به اینکه از یکسو در انتخابات سال ۲۰۰۰ حزب جمهوری خواه تقریباً ۵۰ درصد کل آراء را به دست آورد و از سوی دیگر همه مسیحیان دست‌راستی در طیف جمهوری خواهان قرار دارند، می‌توان نتیجه گرفت که تقریباً ۲۰ درصد از کل آرای که به

راهپیماییها و هدایت هواداران به سوی محلهای رأی گیری، توانایی بسیج سریع رأی دهندگان همراه با نظامی که برای لابی و اثرگذاری بر کنگره و دولت ایجاد شده، راست مسیحی را از موقعیتی برجسته در سیاست داخلی آمریکا برخوردار کرده است، چرا که حضور سازمان یافته در واشنگتن و لابی در دولت و کنگره از یکسو و برخورداری از شبکه‌ای از حمایت‌های مردمی از سوی دیگر از امور است که کمتر همراه با هم در یک جریان سیاسی جمع می‌گردد.

گفته می‌شود که رالف رید در دهه ۱۹۹۰ حدود ۱۶۰۰۰ نفر از پیروان خود را برای پیشرفت در مناصب سیاسی و حزبی، با هدف رشد در بدنه حزب جمهوری خواه و انتخاب شدن به نمایندگی در مجالس فدرال و ایالتی، شهردار، عضو هیأت‌های آموزشی و... تربیت کرد و در واقع موقعیتی که مسیحیان راست امروزه در حزب دارند یکی از رویاهای رالف رید بوده است.^{۲۷} اینان علاوه بر دارا بودن موقعیت خوب در درون حزب، دارای نهادهای مردمی ۲۷ با برد زیاد در سطح کشور نیز هستند که به آنها نقش مهمی در مراکز قدرت می‌دهد.

هر انتخاباتی «کارنامه کاندیداها» و راهنمایی را در بین رأی دهندگان در بیش از ۷۰ هزار کلیسا در سراسر آمریکا توزیع کرده است. این کارنامه‌ها نشان می‌دهد که تا چه حد کاندیداها با نظرات ائتلاف مسیحی همراهی داشته‌اند.

مطابق آمار «مرکز مردم برای راه آمریکایی»، ائتلاف مسیحی قبل از انتخابات ۱۹۹۴، ۳۳ میلیون و قبل از انتخابات ۹۶، ۴۵ میلیون نسخه از این اوراق توزیع کرده است.^(۱۲)

با گرایش حزب جمهوری خواه به راست و جوه افتراق بین مسیحیان راست و حزب کم شده و در نتیجه مرز بین آنها مخدوش گردیده است. در نتیجه نهادهای مسیحیان راست، تمایز و برجستگی خاصی ندارند و در داخل و حاشیه حزب جمهوری خواه فعالیت می‌کنند. به عبارت دیگر وقتی حزب و رهبر حزب را با خود همراه کرده‌اند، دیگر نیازی به نهادهای مجزا احساس نمی‌کنند. نفوذ محافظه کاران مسیحی در درون

27. Grassroots base

در زمینه سقط جنین ارائه می‌کردند، اشاره کرد. وی همچنین شماری از شخصیت‌های منسوب یا نزدیک به این جریان را نیز به سمت‌های مهم در دولت خود منصوب کرد که از آن جمله انتصاب اشکرافت به عنوان دادستان کل قابل ذکر است. اصرار وی بر برگزاری همه روزه جلسات دعا در دواير دادستانی از اموری بوده که تمجید فراوان مسیحیان محافظه کار را در پی داشته است. نظرات بوش نیز در مورد شبیه‌سازی انسان، تلاش او برای کمک به مؤسسات خیریه مذهبی از منابع دولت فدرال، علی‌رغم تأکید قانون اساسی بر جدایی برنامه‌های اجتماعی از برنامه‌های مربوط به تغییر مذهب... نفوذ بیش از پیش او در بین مسیحیان دست راستی را باعث شده است. در حوزه محافظه‌کاران در آمریکا، جریان مسیحی راست بیشترین امکانات برای بسیج مردمی و جذب کمک‌های مالی را در اختیار دارد، امری که برای پس گرفتن سنا در انتخابات گذشته از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است.

علی‌رغم فعالیت‌های راست مسیحی در انتخابات سال ۱۹۸۰ به سود ریگان، وی در دوره ریاست جمهوری خود توجه چندانی نسبت به خواست‌های آنها که منع سقط جنین و اعاده دعا در مدارس بود، نکرد، هرچند که رهبران راست مسیحی روابط خوبی با ریگان داشتند و با او در تماس دائم بودند.

در دوره کلینتون آنها تلاش گسترده‌ای برای اخلال در سیاست‌های دولت به عمل آورند. دمکراتها قاضی کنت استار را که با جدیت بسیار ماجرای رسوایی کلینتون در قضیه مانیکا لویسنکی را پیگیری کرد، از پیروان متعصب راست مسیحی معرفی کردند. تاکتیک‌هایی که قاضی استار برای پیگرد کلینتون به کار برد، از جمله گذاشتن شنود بر روی مکالمات مونیکا لویسنکی، تحت فشار قرار دادن مادر او، ارائه گزارشی حاوی جزئیات روابط جنسی او با کلینتون به کنگره با هدف تحقیر کلینتون و... تصور منافع خاص در مورد وی را تقویت می‌کرد. ضمن اینکه مفسران لیبرال در آن دوره کمتر تردید داشتند که راست مسیحی نقش تعیین کننده‌ای در سازماندهی شکایت یک زن دیگر (پائولا جونز) از کلینتون ایفا کرده بود. (۱۳)

در شرایطی که اتهامات وارده بر کلینتون که به محاکمه وی در سنا انجامید می‌توانست در شرایط عادی باعث روی گردانی حزب دمکرات و متحدان سیاسی از او شود، اما نقشی که راست مسیحی در این ماجرا بازی کرد، لیبرال‌ها را مصمم به دفاع از کلینتون و در نهایت شکست طرح استیضاح او در سنا کرد. دمکراتها در واقع کوشیدند تا از طریق حمایت از کلینتون راست مذهبی و دیگر محافظه کاران را به شکست بکشانند.

انتخابات مقدماتی حزب جمهوری خواه در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ عرصه دیگری را برای قدرت نمایی راست مسیحی به وجود آورد. جان مک کین کاندید جمهوری خواه در انتخابات میان دوره‌ای

ریاست جمهوری در اواخر فوریه سال ۲۰۰۰ نشده و خصوصاً پیروان آنها در ایالات جنوبی طی اقداماتی که معمولاً یک کاندید جدی در آمریکا به آن دست نمی‌زند، حملات تندی را متوجه راست مذهبی کرد. وی در سخنان خود

از جمله گفت: «هیچ یک از احزاب اصلی در آمریکا نباید دست به جانب جریانهای حاشیه‌ای و عناصر نابردباری در سیاست آمریکا دست دراز کند؛ چه این جریانات حاشیه‌ای لوئیس فراخان یا آل شاپتون در چپ باشند چه پاتریک رابرتسون و جری فالول در راست.» جرج بوش با فاصله اندکی سخنان مک کین را محکوم کرد.^(۱۴) شاید محاسبه مک کین این بود که با حمله به راست مسیحی جریانهای مستقل و میانه‌رو در جذب رابه جانبداری از خود تشویق کند.

به اعتقاد پادهورتز^{۲۸} (از سران جریان نو محافظه‌کار) حمله مک کین به رابرتسون و فالول با هدف جلب نظر مستقلها و دمکراتهایی بود که جمهوری خواه شده بودند. اما هرگونه توفیقی در کسب حمایت آنها با از دست دادن حمایت در بین کسانی که صد در صد سکولار نیستند، خنثی شد. حتی به نظر رسید که کاتولیکها نیز که سخنان مک کین علیه راست مذهبی را متوجه نقش مذهب در سیاست به طور کلی ارزیابی کرده بودند، از مک کین ناراضی شدند.^(۱۵) به هر حال اغراق نخواهد بود اگر گفته شود که جرج بوش سمت ریاست جمهوری خود را مدیون راست مسیحی است. چنانچه نیروهای راست مسیحی به سود جرج بوش وارد عمل

28. Paul Padhoretz

منتخب خدا است و در این حکمتی نهفته است. در جهان انجیلی احساسی بسیار قوی وجود دارد که انتخابات پر مناقشه اخیر که اعلام نتیجه نهایی اش یک ماه به طول انجامید به این معنی بود که دست خدا به نوعی در کار بود تا کسی که زندگی اش با پذیرش عیسی مسیح متحول شده بود، وارد کاخ سفید شود. بعد از ۱۱ سپتامبر این احساس وجود داشت که با وقوع چنین حادثه هولناکی خدا با قرار دادن چنین مردی در کاخ سفید بار دیگر ما را تبرک کرده است. بارها در کلیساهای انجیلی شنیده شد که آیا می‌توانید تصور کنید که اگر ال گور رئیس جمهور بود و چنین حادثه‌ای در کشور ما اتفاق می‌افتاد، چه پیش می‌آمد.» گری باور نتیجه می‌گیرد که «خدا جرج بوش را برای چنین روزی در کاخ سفید قرار داد.»^(۱۷)

۴- راست مسیحی و سیاست خارجی آمریکا

راست مسیحی علاوه بر تلاش برای تأثیرگذاری بر سیاست داخلی، تلاشی نیز خصوصاً طی یک دهه اخیر برای شکل دادن به سیاست خارجی آمریکا و تطبیق آن با بینش و نظرات خود و تصویری که از یک «کشور خدایی» دارد، صورت داده است. برخلاف راست مذهبی در دهه ۱۹۸۰ که عمدتاً از طریق برپایی دعا در مدارس، مبارزه با سقط جنین و فعالیت در دیگر امور اجتماعی در مبارزه با شیطان می‌کوشید، راست مسیحی کنونی، خصوصاً پیروان کلیسای انجیلی، بین‌المللی‌گرا و مدعی تلاش برای «هدایت و نجات انسانها» در همه جای جهان و «بلاغ پیام مسیحی» و بسط «ارزشهای دموکراتیک» است. به قولی چون در مبارزات اجتماعی. فرهنگی داخلی دشواریهای بسیار وجود داشت (به علت قدرت دموکراتها)، مسیحیان دست راستی بخشی از توان خود را نیز متوجه موضوعات بین‌المللی کردند و به قول یکی از آنها در پی مبارزه با انواع باندها برآمدند.^(۱۹) احساس خطر آنها از مسلمانان

هدف عام راست مسیحی در سیاست داخلی آمریکا را باید چنانچه خود می‌گویند اعاده تسلط مسیحیان بر آن کشور دانست. در یک نوار تبلیغاتی ویدئویی به نام «آمریکا بر سر چهارراه» که در سال ۱۹۹۰ توسط «ائتلاف مسیحی» توزیع شد، پاتریک رابرتسون، بنیان‌گذار این سازمان، که همراه بارالف رید در این نوار حضور دارند، چنین می‌گویند: «مسیحیان این کشور را بنیان نهادند، آنها این ملت را ساختند و برای سه قرن آن را اداره کردند. ما می‌توانیم دوباره آن را اداره کنیم به همین دلیل است که من گروه ائتلاف مسیحی را پایه‌گذاری کردم.» در همین ویدئو وی اضافه می‌کند که هدف ائتلاف مسیحی

و این تصور که مسلمانان به یک اندازه از مسیحیان و یهودیان نفرت دارند، در جلب توجه آنها به سیاست خارجی آمریکا و مسائل بین‌المللی بی‌تأثیر نبود. آنان نسبت به مسائل مربوط به اسرائیل نیز سخت حساس‌اند، در پی انتقاد از چین و کره شمالی‌اند، با قاچاق زنان در اروپای شرقی و برادگی در سودان مشکل دارند و به نحوی فزاینده متوجه مبارزه با ایدز در آفریقا شده‌اند.

گری بوئر در یک سخنرانی در هاروارد در سال ۱۹۹۹ از ضرورت قرار گرفتن «ارزش اخلاقی» در مرکز سیاست خارجی آمریکا سخن گفت. در این مورد حتی بسیاری از غیر مذهبها هم با او موافق‌اند. اصولاً آمریکاییها پیوسته بر این باور بوده‌اند که موفقیت آنها در جهان موکول به پیروزی ارزشهای آنها در خارج است. حتی کلینتون نیز که نقطه مقابل راست مسیحی به نظر می‌آمد، موافق اشاعه ارزشهای آمریکایی در جهان بود. مشکل تنها چگونگی تعیین و اجرای این ارزشها است.^(۲۰)

علاقه راست مسیحی نسبت به نوع سیاست خارجی خاص دوره ریگان نیز در جلب آن به عرصه سیاست خارجی مؤثر بود. آنها حمایت از مواضع تند ریگان علیه کمونیستهای بی‌خدا را آسان یافتند. در عمل نیز به حمایت ایدئولوژیکی و مالی از نیروهای ضد کمونیست در السالوادور، گواتمالا، هندوراس، و نیکاراگوئه پرداختند. مشهورتر از همه بنگاه خبری رابرتسون بین ۳ تا ۷ میلیون دلار به کنترها در نیکاراگوئه و هندوراس کمک کرد. پاتریک رابرتسون همچنین دیکتاتور گواتمالا را نیز تشویق کرد، یعنی کسی را که رژیمش مسئول قتل عام هزارها بومی و دیگر غیرنظامیانی که به نظر آن رژیم طرفدار کمونیسم بودند، است. جری فالول همراه با شماری دیگری از مبلغین راست مسیحی از رژیم آپارتاید

گری بوئر که طی بیش از یک دهه اخیر از طریق سازمانی که در رأس آن قرار دارد،^{۲۹} عمده توان و امکانات خود را صرف دفاع از آنچه که «نظام ارزشی یهودی مسیحی» خانواده سنتی می‌نامد و نیز اعتلای «اصول انجیلی» در فرهنگ آمریکایی کرده و موضوعاتی چون دعا در مدارس و مبارزه با سقط جنین در صدر دستور کارش بوده است. با این حال او و افرادی مشابه او بیش از پیش در دهه ۹۰ توجه خود را در عین

در آفریقای جنوبی با این ادعا که چهره آنها توسط رسانه‌های لیبرال مخدوش شده و نیز این ادعا که کنگره ملی آفریقا کمونیست و دست‌نشانده شوروی سابق است، حمایت کردند. رابرتسون همچنین با سه‌سه‌کو دیکتاتور فاسد زئیر روابط نزدیکی برقرار کرد، روابطی که مدیران جریان راست مسیحی برای گرفتن امتیازهایی در معادن الماس برای نهاد اقتصادی خود، یعنی مؤسسه توسعه آفریقا،^{۳۰} مورد استفاده قرار دادند.^(۳۱)

این سیاستها در دهه نود در واقع اعلام خطری بود به سیاستمداران آمریکایی و سایر کشورها مبنی بر اینکه راست مسیحی خود را به موضوعات مربوط به خانواده و اموردینی صرف محدود نخواهد کرد. طی سالهای اخیر آنها بیش از پیش در بسیاری از زمینه‌های مربوط به سیاست خارجی و در رأس آنها حمایت از اسرائیل و نیز اموری چون کنترل تسلیحات، امور دفاعی و جلوگیری از تأمین مالی نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل فعال شده‌اند.

در حالی که ظهور راست مسیحی در بخشهایی از جامعه آمریکا به عنوان تهدید فزاینده‌ای علیه جدایی دین از دولت و ایجاد الزامهای قانونی در ارتباط با اخلاقیات در نظر آمده، دولتها و محافل خارجی نیز از تأثیر فزاینده آن بر سیاست خارجی آمریکا نگران شده‌اند.

یک نماینده «شورای کلیساهای خاورمیانه» در بیروت در مورد فعالیتهای راست مسیحی هشدار داد که فعالیتهای مذهبی در آمریکا زنده‌کننده

«خاطره جنگهای صلیبی» است و در خاورمیانه به عنوان «تجاوز جدید سیاست خارجی آمریکا و بعضی گروههای انجیلی که قصد جلب مسلمانان به مسیحیت را دارند، نگرسته خواهد شد.»^(۳۲)

در نتیجه فعالیتهای آنها قانون آزادی مذهبی بین‌المللی^{۳۱} در ۱۹۹۸ و قانون حمایت از قربانیان قاچاق انسان^{۳۲} در سال ۲۰۰۰ عل‌رغم مخالفت کلیتوتون از تصویب کنگره گذشت. همین جریان عامل اصلی توقف کمکهای آمریکا در زمان بوش دوم به صندوق جمعیت ملل متحد بوده، چرا که آنها مدعی بودند که نهاد مذکور از کمکهای آمریکا برای پیشبرد برنامه‌های سقط جنین در دیگر کشورها استفاده می‌کرده است. آنها البته از جهاتی نیز مفید واقع شده‌اند که از آن جمله فشار مؤثر آنها بر کنگره برای تصویب صدها میلیون دلار کمک اضافی به آفریقا برای جلوگیری از اشاعه بیماری ایدز قابل ذکر است. با توجه به پیش‌گوییهای انجیلی، اصطلاحاتی مانند حکومت جهانی^{۳۳} و نظم نوین جهانی^{۳۴} در نظر مسیحیهای محافظه‌کار تهدیدآمیز جلوه می‌کنند. طی دهه‌های گذشته dispensationist کسانی مانند هیتلر، موسولینی، سادات، استالین و حتی کیسینجر را ضد مسیح خواندند. بازار مشترک اروپا آنها را به وحشت انداخت و به نحوی که آن را دیو ۱۰ شاخ که در فصول ۷ و ۸

30. The African Development Corporation

31. International Religious Freedom Act

32. Trafficking Victims Protection Act

33. Global governance

34. New World order

تأیید کرد. آنها با کنوانسیون حقوق کودک نیز مخالفت کردند چرا که این کنوانسیون از نظر آنها حاوی مضامینی است که دسترسی کودکان به صور قبیحه، رسانه‌های نامناسب برای سن کودکان، فعالیت جنسی بدون نیاز به پاسخگویی در برابر پدر و مادر را ممکن می‌سازد و به طور کلی «در رابطه مقدس بین پدر و مادر و فرزندان دخالت می‌کند.»^(۳۳)

تردیدهای راست مذهبی نسبت به سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول، دادگاه کیفری بین‌المللی و دیگر نهادهای چندجانبه بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا، کمیسیون سه جانبه، شورای روابط خارجی، شورای جهانی کلیساها و حتی به کلیسای کاتولیک دلایل مختلف دارد. بخشی از آن به طور کلی ناشی از انزوگرایی سنتی در بین محافظه‌کاران آمریکا و ترس از مخدوش شدن امنیت و منافع اقتصادی آمریکا و قربانی شدن حاکمیت ملی آمریکا به نفع یک نظم جهانی لیبرال است. اما دلیل خاص تردید راست مسیحی نسبت به سازمان ملل این است که جریان مذکور اصولاً این سازمان را مرکز نخبگان عرفی (سکولار) می‌داند که از طریق برنامه‌های تنظیم خانواده (شامل سقط جنین، جلوگیری از حاملگی، عقیم کردن و...)، تبلیغ رابطه جنسی سالم به بهانه مبارزه با ایدز و... آموزه‌های انجیلی را تضعیف می‌کند. این فعالیتها بی‌تأثیر نیز نبوده و نه تنها در دوره جرج بوش (پسر)

کتاب دانیل به آن اشاراتی شده است، معرفی کردند. (این نظر موقعی با مشکل مواجه شد که این دیو، چند شاخ دیگر درآورد؛ یعنی اعضای بازار مشترک و بعد اتحادیه اروپا افزایش یافت تا نهایتاً به ۱۵ کشور رسید.)

در عین حال، به نظر می‌رسد که برخی از نقطه نظرات راست مسیحی مانند، مخالفت با بیمان کیوتو در مورد محیط زیست، حمایت از نفتا، تردید نسبت به فعالیت‌های صندوق بین‌المللی پول، تشویق برنامه دفاع ضد موشکی آمریکا عمدتاً ناشی از نزدیکی آنها با نو محافظه کاران^{۳۵} یا راست نو است. اما دیگر نظرات آنها در مورد سیاست خارجی و مسائل بین‌المللی عمدتاً ناشی از سیاست داخلی و نقطه نظرات خاص آنهاست.

در سال ۱۹۹۸ محافظه کاران در مجلس نمایندگان مانع کمک ۱۸ میلیاردی آمریکا به صندوق بین‌المللی پول شدند، زیرا قرار بود که از این پول برای کمک به کشورها و سازمانهایی که سقط جنین را به عنوان بخشی از سیاست تنظیم خانواده قبول داشتند، استفاده شود. دلایلی از این قبیل باعث شده تا سازمان ملل نیز مورد انتقاد راست مسیحی قرار داشته باشد. سخنگویان این جریان در سال ۱۹۹۵ کنفرانس جهانی زن در پکن را سخت مورد انتقاد قرار دادند، چرا که به زعم آنها این کنفرانس تأکید زیادی بر آزادی تولید مثل و آزادی بیان در امور جنسی گذاشت، ازدواج و وظیفه مادری را منفی ترسیم کرد و صریحاً همجنس بازی را

35. neo-conservatives

راست مسیحی توفیق‌نمایانی در واداشتن دولت به قطع کمک‌های آمریکا به صندوق جمعیت کسب کرد، بلکه حتی در اواخر دوره کلینتون نیز توفیق مشابهی در همین زمینه به دست آورد و از این طریق در گذشته و حال برنامه‌های این صندوق در ۱۵۰ کشور به مخاطره افتاده است. اختلاف برسر این موارد نیز همواره بخش مهمی از علل تأخیرها در پرداخت حق عضویت آمریکا به سازمان ملل بوده است.

آنچه که «آزار مسیحیان» در دیگر کشورها نامیده می‌شود عامل مهمی برای بسیج راست مسیحی است. خصوصاً اتهاماتی از سوی اینان در ارتباط با قتل و برده کردن مسیحیان در سودان همواره مطرح شده است. دولت چین نیز از سوی اینان به دستگیری و بازداشت مسیحیان به خاطر عقایدشان متهم می‌شود، دولتهای اسلامی و روسیه را نیز متهم به تبعیض علیه مسیحیان و جلوگیری از انجام فرایض آنان می‌کنند.

جنبش همبستگی مسیحی^{۳۶} یکی از تشکیلات عمده پیروان کلیسای انجیلی است که نقش قابل توجهی در پیشبرد سیاستهای راست مسیحی در زمینه فعالیتهای بین‌المللی داشته است. عمده فعالیت این تشکیلات معطوف به افشای آنچه شده که آن را «آزار و اذیت مسیحیان در چین، سودان، برمه، عربستان، پاکستان و...» می‌نامند. این جریان به شکل‌گیری آنچه که گروه‌های دست‌راستی دفاع از حقوق بشر منجر شد، کمک کرد.^(۲۴) در حالی که

گروه‌های سنتی طرفدار حقوق بشر توجه خود را به طور عام به نقض حقوق بشر به طور عام معطوف می‌کنند، گروه‌های مسیحی مورد نظر به طور مشخص بر روی آزار و اذیت مذهبی متمرکزاند. همبستگی بین‌المللی مسیحی از اولین گروه‌های از این نوع بود که در دهه ۷۰ به وجود آمد و عمدتاً شرایط مسیحیان در شوروی سابق را مدنظر داشت.^(۲۵) فرانک وولف (نماینده جمهوری خواه از ویرجینیا) تلاش زیادی در مجلس نمایندگان برای به اجرا گذاشتن این اندیشه و به قول خودش اخلاقی کردن سیاست خارجی و برخورد با «سرکوب مذهبی در خارج» انجام داده است. وی بعداً همراه با سناتور اسپکتر پیش‌نویس طرح قانون آزادی مذهبی بین‌المللی را ارائه کرد.

مایکل هاروویتز^{۳۷} نیز نقش مهمی در این روند بازی کرد. وی در ۵ ژوئیه ۱۹۹۵ مقاله‌ای در وال استریت ژورنال تحت عنوان «نابردباری جدید بین هلال و صلیب» به چاپ رساند وی که یک یهودی نومحافظه‌کار و فعال در مؤسسه محافظه‌کار هودسون است، در مقاله‌اش از آنچه که وضعیت اسفبار مسیحیان در خاورمیانه و سودان خواند، سخن گفت و خواستار اقدامی از سوی دولت آمریکا شد. وی نوشت برای یهودیان آمریکا که جان شان را مدیون درهای باز این سرزمین متبرک هستند، سکوت راه حل مناسبی نیست. وی با کمک دیگران در ژانویه

36. Christian Solidarity International- USA
37. M.Horowitz

آمریکا هستند. این دو جریان هر یک برنامه‌ها و اولیتهای خاص خود را دارند. جریان نخست، چنانچه اشاره شد، مسائل اجتماعی را در صدر اولیتهای خود قرار داده و عمدتاً از آن منظر به مسائل داخلی و بین‌المللی می‌نگرد. جریان دوم مرکب از روشنفکرانی است که تلاش خود را صرف طرحها و برنامه‌های خرد و کلان در قلمرو سیاست خارجی کرده‌اند. در حالی که جریان نخست به شدت مذهبی و حتی به تعبیری بنیادگرا است، دومی غیر مذهبی (لائیک) است. (هر چند که شمار قابل توجهی از فعالان نومحافظه‌کار یهودی غیر مذهبی هستند.)

با این حال وجه اشتراک این دو جریان نگرش مانوی آنها به جهان و پدیده‌ها را سیاه و سفید می‌بینند و به جدال دائمی بین «خیر و شر» قائل‌اند آنها مبارزه پیگیر و اجتناب از مصالحه و راه میانه را تنها راه غلبه بر «شر» و «مخالفان ارزشهای آمریکایی» می‌دانند. هر دو جریان به این نتیجه رسیده‌اند که اسرائیل درگیر مبارزه‌ای علیه «شر» است و لذا آمریکا باید بدون ذره‌ای تردید و مصامحه از آن حمایت کند. هر دو همچنین در مسائل بین‌المللی سخت یک جانبه‌گرا هستند و نسبت به وزارت خارجه و وزیر آن، که نظری نیز به دیگر ابعاد منافع ملی آمریکا دارند، سخت بدبین می‌باشند.

نظرات اینان بسیار مهم است چرا که حزب جمهوری خواه که به طور سنتی تحت تأثیر

۱۹۶ اجلاسی در واشنگتن در مورد «آزار مسیحیان در جهان»^{۳۸} برگزار کرد که از موفقیت زیادی برخوردار شد. علاوه بر انجیلیها، پرسبیتترینها (شیخون) و ایستموپالیها و بابتیستهای جنوبی نیز کمکهایی به این روند کردند. تا آنجا که به انجیلیها مربوط می‌شد فعالیت در این زمینه در واقع مکمل فعالیت عمده دیگرشان یعنی تلاش برای مسیحی کردن غیرمسیحیان در جهان شد. در نتیجه این قبیل فعالیتها، نهایتاً دولت کلینتون خود را ملزم دید تا در چارچوب قانون آزادی بین‌المللی مذهب برخی تدابیر اداری برای تظاهر به فعال بودن در ارتباط با آزادیهای مذهبی در جهان اتخاذ کند، از آن جمله ایجاد کمیته مشورتی در مورد آزادی مذهبی در خارج، گزارش سالانه‌ای که وزارت خارجه در این مورد منتشر می‌کند، و تعلیماتی به دیپلماتهای آمریکایی در خارج، در این رابطه قابل ذکر است. لابیهای صنعتی و تجاری تاکنون مخالف فعالیتهای راست مذهبی در این زمینه‌ها بوده‌اند. قانون آزادی مذهبی بین‌المللی که در نتیجه این فعالیتهای تصویب شد از نسخه اولیه که توسط راستها ارائه شده بود، بسیار ملایم‌تر شد و به رئیس‌جمهور اختیار داد که در مورد تحقیق راجع به آزار و تبعیض مذهبی در کشورها و اعمال مجازاتها تصمیم بگیرد.

۵- راست مسیحی و لابی طرفدار اسرائیل

راست مسیحی همراه با نومحافظه‌کاران دو جریان عمده غیر یهودی طرفدار اسرائیل در

شرکتهای بزرگ، اعم از تسلیحاتی و نفتی و مانند آن می باشد و از نظر سیاسی نگرشی واقع بینانه به مسائل سیاست خارجی دارد، طی ۲۰-۱۵ سال اخیر دستخوش دگرگونیهای مهمی شده است. ضمن اینکه نومحافظه کاران و مسیحیان راست از اجزاء مهم ائتلاف حکومتی جرج بوش پسر و از امیدهای مسلم اودرانتخاب سال ۲۰۰۴ بودند. همین دو جریان تأثیری مستقیم نیز بر نگرش، پیش و تعبیرات مورد استفاده بوش نیز داشته اند. کلمه «شر» و «خیر» دو کلمه محوری در سخنان بوش طی سالهای اخیر بوده است.

تفاوتی اساسی بین نوع حمایت راست مسیحی از اسرائیل و حمایتهایی که از سوی دیگر اقشار جامعه آمریکا از اسرائیل ابراز می شود، وجود دارد. در حالی که بخش عمده افکار عمومی در آمریکا حمایت از اسرائیل را ناشی از نوعی همبستگی با یهودیان به خاطر اذیت و آزار آنها در جریان جنگ دوم جهانی، احساس گناه به خاطر عدم حمایت از آنها، وضعیت آنها به عنوان یک اقلیت، و اموری دنیوی از این نوع می دانند، حمایت راست مسیحی از اسرائیل ریشه در عقاید دینی (تئولوژیک) این جریان نیز دارد. آنها مدعی وجود مبانی انجیلی برای حمایت از اسرائیل هستند. آنها، چنانچه در قبل اشاره شد، مجتمع شدن یهودیان، تشکیل اسرائیل، بازسازی معابد باستانی قوم یهود و... را پیش شرطهای لازم برای بازگشت دوم مسیح می دانند و آن را به عنوان دلایل اصلی حمایت خود از اسرائیل اعلام می کنند. (این در

حالی است که نومحافظه کاران و دیگر حامیان عرفی اسرائیل عمدتاً به دلایل استراتژیک و سیاسی، از جمله ارزشهای مشترک و... استناد می کنند.) بر این مبنا اگر مسیحیان نمی خواهند مانع اجرای طرح بزرگ خدا باشند، باید از اسرائیل حمایت کنند. تناقض در اینجا است که این سناریو در عین حال متضمن جذب گسترده یهودیان به مسیحیت است و علی رغم این، شماری از رهبران یهود از تلاشهای کلیسای انجیلی برای تقویت اسرائیل علیه همسایگانش استقبال کرده اند. فالول بعد از پایه گذاری «اکثریت اخلاقی» در سال ۱۹۷۹ آن را، از جمله، طرفدار اسرائیل نامید و مدعی شد که «هر کس در مقابل اسرائیل بایستاد در مقابل خدا ایستاده است» (۲۶)

از نظر برخی، سابقه گرایش راست مسیحی به حمایت از اسرائیل به قرن نوزده و حرکتی در بین گروههایی از مسیحیان آمریکا در آن دوره بازمی گردد؛ حرکتی که با نامیدن فرزندان و مکانها با نامهای مندرج در کتب عهدعتیق شروع شد. بعد از تأسیس اسرائیل نوعی کشش آگاهانه و ناخود آگاه با استناد به بخشهایی از کتب مذهبی در جوامع مسیحی آمریکا خصوصاً در بین پیروان کلیسای انجیلی نسبت به اسرائیل به وجود آمد. بیان افراطی این گرایش در ادبیات مربوط به «جنگ و ویرانی بزرگ»^{۳۹} انعکاس یافت. البته بیان ملایم تر حمایت از اسرائیل در

بین راست مسیحی بر این مبنا استوار شده که اسرائیل ارض مقدس است و یهود قومی است که «خدا با آن میثاق بسته» است.^(۳۷) در همین موارد، آلبرت موهلر رئیس مدرسه دینی بابتیست جنوبی مدعی است که «حمایت آمریکا از اسرائیل ریشه در حمایت میلیونها مسیحی دارد و حمایتی از نوع تعارفات و علائق بین الادیانی نیست.»^(۳۸) جانب پارشال که مجری یک برنامه‌ی مذهبی رادیویی با ۳/۵ میلیون شنونده است، در این مورد می‌گوید: «اسرائیل برای ما در درجه اول اهمیت قرار دارد، چرا که معرف تمامیت آنچه می‌باشد که ما به آن عنوان، مسیحی هستیم.» وی برآورد می‌کند که ۸۰ درصد از شنوندگانش به دلایل دینی و نه سیاسی یا استراتژیک، حامی اسرائیل هستند.^(۳۹) مشترکات گذشته (ریشه‌های مسیحیت در یهودیت)، وضعیت حال (اینکه به ادعای آنان اسرائیل سرزمین مقدس مسیحیان) است و دورنمای آینده (بازگشت حضرت مسیح به زمین) از مبانی اعتقادی این گروه از مسیحیان در آمریکا است.

بسیاری از موضوعها خصوصاً مسائل مربوط به رابطه بین دولت و کلیسا مانند دعا در مدارس دولتی، همچنان بین یهودیان و پیروان کلیسای انجیلی مورد منازعه است. اما طرفین در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر علاقه‌مند به کنار گذاشتن اختلافاتشان و همکاری در دفاع از دولت اسرائیل به نظر می‌رسند. به گفته ابراهام فاکسمن دبیر سراسری «جامعه ضد

بهتان»، «اختلاف ادامه دارد اما این بدان معنی نیست که ما باید حمایت آنها را رد کنیم.»^(۳۰) از نظر یهودیان پذیرش حمایت مسیحیان راست و کار با آنها به نوعی عمل گرایي تعبیر شده است. یهودیان هرگز در مورد حمایت انجیلیان از خود راحت نبوده‌اند و در مورد انگیزه آنها سؤال داشته و نگران بوده‌اند که این حمایت تنها با هدف مسیحی کردن یهودیان صورت می‌پذیرد. برخی از یهودیان مسئله تغییر مذهب را انگیزه عمده پیروان کلیسای انجیلی می‌دانند. برخی معتقدند که آنچه که آنان در واقع می‌خواهند، تحقق سه پیش شرط «مندرج در انجیل» برای بازگشت مسیح است: کشور اسرائیل باید احیا شده باشد، بیت المقدس باید در دست یهودیان باشد و معابد باستانی یهود باید بازسازی شده باشد. البته تردیدهای برخی یهودیان در مورد نیات راست مسیحی فاقد اهمیت برای مقامات اسرائیلی است. آنها به راحتی از حمایت و امکانات انجیلیها استفاده کرده و در نشستهای آنها شرکت می‌کنند.

همچنین آمیزش سیاست با مذهب توسط برخی از نمایندگان کنگره از راست مسیحی، باعث نگرانی یهودیان شده است. تام دیلی ناظم حزب جمهوری خواه در مجلس نمایندگان آمریکا از حامیان سرسخت اسرائیل است، در یک سخنرانی در کلیسای بابتیست جنوبی گفت: «تنها مسیحیت جهان بینی جامعی است که همه جنبه‌های زندگی و اندیشه را می‌پوشاند، تنها مسیحیت راهی برای زندگی و پاسخ به

واقعیت‌های این جهان ارائه می‌کند، تنها مسیحیت»^(۳۱) دیوید هاریس معاون اجرایی شورای دمکراتیک ملی یهود NJDC در عکس‌العملی نسبت به این سخنان گفت: «جهان بینی بنیادگرا و قائل به حذف مسیحی که دلیلی در سخنان خود مطرح کرد دلیل مشکلی است که جامعه یهودیان آمریکا پیوسته بارهبران محافظه‌کار مسیحی داشته است».

در برخورد با راست مسیحی یهودیان عمدتاً تحت تأثیر نگرانی‌های تاریخی در مورد غلبه گرایش‌های یهودی ستیزی در محافل محافظه‌کار مسیحی می‌باشند. این طبعاً تهدیدی علیه آنچه که «تداوم یهودیت» می‌نامند، تلقی می‌شود. در مورد پاتریک رابرتسون گفته می‌شود که وی نوشته‌هایی در مورد «توطئه بین فراماسونها و

بانکداران یهودی در قرن ۱۸» دارد و «روشنفکران یهود و فعالان در رسانه‌ها» را به خاطر تهاجم به مسیحیت مورد انتقاد قرار داده است. اما یاد هورتز که از یهودیان نومحافظه‌کار است، در دفاع از آنها یادآوری می‌کند که ازامثال رابرتسون به عنوان «یهودیان غیر یهودی»^{۴۰} اسم برده می‌شود. وی به علاوه یادآوری می‌کند که در ارتباط با نگرانی‌های امروزی یهودیان آنها دوستان استواری هستند؛ از اسرائیل در همه حال حمایت می‌کنند و در زمان شوروی کمک‌های مالی هنگفتی برای کمک به مهاجرت یهودیان ارائه کردند. وی می‌افزاید: «من به عنوان یک یهودی نگران راست مسیحی نیستم؛ چرا که اولاً یهود ستیزی در بین مسیحیان تا حد بسیار زیادی

کاهش یافته، ثانیاً اگر همه اعضای محافظه‌کار دیوان عالی آمریکا مانند کلارنس توماس و اسکالیا تلاش کنند، با هیچ تفسیری نمی‌توانند اصل تفکیک کلیسا از دولت را که در متمم قانون اساسی آمریکا درج شده، به نحوی دیگر بفهمند. ثالثاً مسیحیان محافظه‌کار در دوره‌ای نه چندان دور بر آن بودند که آنچه را که به کیصر تعلق دارد به او بدهند و در عوض به نجات روح خود همت گمارند. آنچه آنها را به سیاست‌کشاند علاقه به تحمیل نظراتشان بر بقیه نبود، بلکه برعکس حرکت آنها یک حرکت دفاعی بود. آنها در تلاش بودند تا از جامعه خود در برابر تهاجمی که فرهنگ لیبرال با کمک دادگاهها، دولت فدرال و رسانه‌ها علیه آن سازمان داده بودند دفاع کنند.»^(۳۲)

پادورتز ادامه می‌دهد که غیرصادقانه خواهد بود چنانچه ادعا کند که نگرشش نسبت به راست مسیحی تنها به دلیل نگرانی نداشتن از آنها شکل گرفته است. وی اذعان می‌کند که منافی نیز در این جریان می‌بیند؛ یکی اینکه این جریان یادآور بنیادهایی است که آمریکا بر مبنای آن ساخته شده است، دیگر اینکه این جریان تنها مانع در راه غلبه کامل نسبیته‌گرایی در فرهنگ و یلگی در رفتار آمریکاییان بوده است.^(۳۳)

این در حالی است که یهودیان آمریکا به طور سنتی نسبت به راست مسیحی در این کشور

نظر مثبتی نداشته‌اند و اختلاف نظر بین آنها در ارتباط با نقش دین در جامعه و مسائل اجتماعی علت اصلی سوءظن‌ها بوده است. یهودیان همواره نسبت به تأکید راست مسیحی بر مسیحیت و آمریکا به عنوان یک کشور مسیحی به دیده شک نگریسته‌اند. چرا که آنها به عنوان یک اقلیت دینی در آمریکا همواره اهمیت بسیار زیادی برای اصل جدایی کامل دین از دولت قائل بوده و آن را ضامن حفظ منافع و موقعیت خود در جامعه آمریکا دیده‌اند. از نظر مسائل اجتماعی نیز یهودیان همواره لیبرال و تائیس از ۸۵ درصد حامی حزب دمکرات بوده‌اند. لیبرال بودن یهودیان و مخالفت آنها با ایفای هرگونه نقشی از سوی دین در سیاست و جامعه در عمل باعث شده است که آنها تقریباً در همه موضوعات اجتماعی مورد نظر راست مسیحی مانند سقط جنین و... در مقابل این جریان قرار داشته باشند.

در این رابطه، «جامعه ضد بهتان»^{۴۱} که از گروه‌های یهودی فعال طرفدار اسرائیل در آمریکا است، در ژوئن ۱۹۹۴ با انتشار جزوه‌ای تحت عنوان «راست مذهبی: هجومی علیه مدارا و کثرت‌گرایی در آمریکا» ضمن اذعان به حمایت راست مسیحی از اسرائیل از تهدیدی که از ناحیه مسیحیان دست راستی علیه امنیت یهودیان آمریکا وجود دارد، سخن گفته و نسبت به برنامه‌های راست مسیحی برای تبدیل آمریکا به یک کشور مسیحی و کنترل بر حزب جمهوری خواه اظهار نگرانی کرده بود.^(۳۴)

عکس‌العمل منفی بخشی از یهودیان آمریکا نسبت به جزوه مذکور که به صورت انتشار یک آگهی در روزنامه نیویورک تایمز در ۲ اوت ۱۹۹۴ انجام شد، به نزدیک شدن گروه‌هایی از یهودیان به راست مسیحی کمک کرد. در این آگهی ۸۹ تن از سران گروه‌های یهودی آمریکایی و یهودیان ذی نفوذ عدم موافقت خود را با جزوه منتشره از سوی «جامعه ضد بهتان» اعلام کردند. در آگهی نیویورک تایمز با عنوان «آیا یهودیان باید از راست مسیحی بترسند»، مطالب جزوه رد و انتشار آن تقبیح شده بود. در این آگهی همچنین ضمن اشاره به اعتقادات راست مسیحی و اقدامات سیاسی آن برای پیشبرد این عقاید، اضافه شده که «اینها تفاوتی با آنچه بسیاری از دیگر گروه‌ها، از جمله لیبرال‌های مسیحی، همواره انجام داده‌اند، ندارد... جدایی کلیسا از دولت قربانی با حذف ارزش‌ها و مفاهیم مذهبی از گفتمان سیاسی ندارد. به علاوه، بر خلاف آنچه که «جامعه ضد بهتان» ظاهراً کوشیده تا نشان دهد، یهودیت انطباقی با لیبرالیسم ندارد، و نیز جامعه یهودی با یک صدا در مورد موضوعات مذهبی، اخلاقی و سیاسی زمان ما سخن نمی‌گوید. مهم‌تر از همه در ارتباط با موضوعی که جامعه یهودی با یک صدا سخن می‌گوید یعنی بقای اسرائیل، یهودیان، دوستان ثابت قدم‌تری از مسیحیان انجیلی ندارند... لذا ما از یهودیان می‌خواهیم که جزوه مذکور را رد

41. Anti-Defamation League

کنند. انتشار این آگهی مقدمه‌ای برای همکاری بسیاری از امضا کنندگان آن با راست مسیحی شد. این همکاری که در جریان انتفاضه الاقصی و بعد از روی کار آمدن جرج بوش به اوج خود رسید ربطی به آنچه که جنبش تفاهم ادیان^{۴۲} نامیده می‌شود، ندارد. اکیومنیسم سنتی از پیروان می‌خواست تا بر مبنای مشترکات کار کنند و اعتقادات متمایز رارها سازند تا امکان همکاری فراهم آید. مخالفین این نوع همکاری معتقدند که با کنار گذاشتن آنچه که تفرقه‌آمیز تلقی می‌شود، حقیقت انجیلی قربانی شده و ارزشهای یهودی - مسیحی بیشترین صدمه را خواهد خورد.

یک شاخام یهودی به نام یهیل اکستاین^{۴۳} که رئیس انجمن فلوشیب بین‌المللی مسیحیان و یهودیان^{۴۴} است، گفته است که طی ۸ سال گذشته ۶۰ میلیون دلار از مسیحیان پیرو کلیسای انجیلی آمریکایی برای اجرای پروژه‌های مربوط به اسکان و رفاه مهاجران یهودی در اسرائیل جمع‌آوری کرده است. وی همچنین در صدد ایجاد یک لابی طرفدار اسرائیل مشابه ایپک با همکاری انجیلی‌ها در واشنگتن است.^(۳۵)

«ائتلاف وحدت ملی برای اسرائیل»^{۴۵} که در سال ۱۹۹۴ توسط استرلیونز^{۴۶} تأسیس شد، یکی از سازمانهایی است که گروههای یهودی و مسیحی انجیلی در چارچوب آن همکاری می‌کنند و هدف آن «تضمین بقای اسرائیل» اعلام شده است. استرلیونز که یهودی است، با اطلاع از حمایت‌های که در بین پیروان کلیسای

انجیلی از اسرائیل وجود دارد این ائتلاف را برای همکاری دو طرف در سطح ملی به وجود آورد. ادعا می‌شود که سازمانهای عضو این ائتلاف مجموعاً اعضای در حدود ۴۰ میلیون نفر در آمریکا دارند که مصمم به دفاع از اسرائیل در آمریکا هستند. سران این ائتلاف تأکید دارند که اعضای آن کاملاً در فعالیتها و عقاید خود مستقل هستند و تنها با هدف حمایت از اسرائیل با هم همکاری می‌کنند.^(۳۶)

«به سوی سنت»^{۴۷} سازمان یهودی دیگری است که در سال ۱۹۹۴ توسط یک شاخام به نام دانیل لاپین^{۴۸} برای همکاری با راست مسیحی به وجود آمده است. هدف این سازمان اعمال ارزشهای انجیلی سنتی و محافظه کار بر زندگی فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی آمریکا اعلام شده است. وی در مطالبی که از وی در نشریه یهودی فوروارد چاپ شده گفته است: «حمایت قاطع مسیحیان انجیلی به رهبری جرج بوش و تام دیلی، باعث تغییری بزرگ در عقاید یهودیان آمریکا شده است. گزارشهای خبری متعددی نشان داده است که یهودیان در حال تجدید نظر در نظرات قبلیشان در مورد مسیحیان انجیلی هستند. قبل از هر چیز این یهودیان تصمیم

42. ecumenical movement

43. Yehiel Eckstein

44. Jewish Christian International Fellowship Society

45. National Unity Coalition

46. Esther Levens

47. Toward Tradition

48. Daniel Lapin

گرفته‌اند که حمایت مسیحیان انجیلی از اسرائیل را به پذیرند. نشانه‌های تحول بی‌شمارند. اخیراً فاکسمن مدیر جامعه ضد بهتان از گری باوئر به خاطر حمایتش از اسرائیل تشکر کرد. وی در ضمن افزود که به مخالفت‌های خود با نظرات محافظه‌کارانه آنها ادامه خواهد داد. لاپین در

ازای ابراز دوستی از سوی مسیحیان راست از یهودیان آمریکا می‌خواهد تا متقابلاً نسبت به آنها دوستی نشان دهند، از جمله می‌خواهد تا تحت نظر قرار دادن پاتریک رابرتسون، جری فالول و دیگر مبلغین انجیلی را که به اسرائیل وفا دارند و گاهی جز بیان صادقانه عقاید خود ندارند، و یهودیان با برخی از آنها مخالف‌اند، متوقف کنند^(۳۷) «به سوی سنت» همچنین جزوهای تحت عنوان «دوستان یا دشمنان: چرا یهودیان آمریکا باید پیام‌زندان تا نگرانی را کنار بگذارند و مسیحیان محافظه‌کار را دوست داشته باشند»^(۳۸) منتشر کرده است.

در شرایطی که اسرائیل به نحوی فزاینده در بسیاری از مناطق جهان مورد انتقاد قرار گرفته و افکار عمومی از آن فاصله می‌گیرد، راست مسیحی در آمریکا یکی از سرسخت‌ترین مدافعان اسرائیل به شمار می‌رود. گرایش احساس‌انزوا از سوی یهودیان، حمایت این جریان از اسرائیل رشد و برجستگی بیشتری پیدا کرده و یهودیان نیز نسبت به آن و تمجید از آن یافته‌اند، به این امید که گروه‌های مسیحی دیگر نیز در چنین مسیری گام نهند.

حمایت راست مسیحی از اسرائیل همچنین

باعث شده تا یهودیان تنها حامی اسرائیل در آمریکا نباشند. این جریان عملاً موجب شده که سیاستمدارانی در آمریکا از اسرائیل و حتی سیاست‌های شریانه شارون حمایت کنند که در حوزه انتخابیه آنها تنها تعداد معدودی یهودی زندگی می‌کند.

افزایش نفوذ مسیحیان راست در آمریکا که حامیان سرسخت اسرائیل و در عین حال به نحوی فزاینده به ستون فقرات ایدئولوژیک دولت بوش تبدیل شده‌اند، فضای مساعدتری برای فعالیت گروه‌های یهودی در آمریکا فراهم کرده است. این گروه نشان داده است که به اندازه گروه‌های یهودی، اگر نه بیش از آنها، در جهت طرفداری از اسرائیل فعال و پرنرزی است.

۶- راست مسیحی و اسلام

در حالی که دولت بوش خصوصاً در اوایل دوره بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر کوشید تا مانع تبلیغات سوء علیه اسلام شود و مبارزه علیه تروریسم را جنگی بین «جهان متمدن» و دشمنان آن تعریف کند، گرایش راست مسیحی تلاش کرد که نوک تیز حمله را متوجه اسلام در کلیت خود کند. عناصر و گروه‌های فعال در طیف وسیع راست مذهبی در این رابطه کوشیدند تا با استفاده از تعبیرات و دعاوی مندرج در سخنرانی‌های اسامه بن لادن و هم‌فکران او بر علیه یهودیت و مسیحیت از یکسو و تحریف برخی مضامین قرآنی از سوی دیگر چنین تبلیغ

کنند که نظرات جریان القاعده عین نظرات اسلام است و به این ترتیب مسلمانان وارد جنگ علیه مسیحیت شده‌اند. به عبارت دیگر به قول برخی راست مسیحی خود را درگیر «نوعی جنگ صلیبی سرریسته علیه مسلمانان کرده است»^(۳۹) این امر در عین حال به عامل مهم دیگری در تقویت گرایش مسیحیان راست به تلاش برای تحت تأثیر قرار دادن سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده است.

اظهارات سردمداران راست مسیحی مانند جری فالول، پاتریک رابرتسون، جری واینز و... نشان می‌دهد که چگونه طرح مطالب سوء علیه اسلام از ۱۱ سپتامبر به بعد به جزء ثابتی از گفتمان سیاسی راست مذهبی تبدیل شده است.

جرى واینز، کشیش کلیسای بابتیست اول در جاکسون ویل و رئیس سابق کنوانسیون بابتیست جنوبی^{۴۹} که در کنوانسیون سالانه کشیشان محافظه کار در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۲ سخن می‌گفت، علاوه بر طرح مطالب اهانت آمیز علیه اسلام، از «کثرت گرایی مذهبی» در آمریکا نیز انتقاد کرد و گفت این کثرت گرایی به غلط همه مذاهب را با هم برابر فرض می‌کند. به نوشته نیویورک تایمز، دیگر رهبران کنوانسیون مذکور نیز در همان جلسه یادروزهای بعد، از اظهارات واینز حمایت کرده و مدعی شدند که اظهارات وی «بر تحقیقات وی درباره‌ی اسلام مبتنی است.» مطلب قابل توجه اینکه جرج بوش روز بعد از سخنرانی واینز از طریق ماهواره پیامی برای نشست مذکور فرستاد و از جمله،

این جماعت را «از پیشگامان مدارا و آزادی مذهبی» خواند. شماری از فعالان حقوق مدنی، از جمله گروه یهودی «جامعه ضد بهتان» ضمن انتقاد از اظهارات واینز از بوش خواستند تا علناً از اظهارات وی فاصله بگیرد.^(۴۰)

اظهارات فالول در برنامه ۶۰ دقیقه در شبکه تلویزیونی CBS علیه پیامبر اسلام (ص) در ۸ اکتبر ۲۰۰۲ نمونه دیگری از اقدامات سوء سردمداران راست مسیحی علیه اسلام است. فرید ذکریا یکی از نویسندگان مجله نیوزویک طی مقاله‌ای ضمن انتقاد از اظهارات فالول نوشت: «بلافاصله بعد از ۱۱ سپتامبر فالول و رابرتسون نخست تصمیم گرفتند که از فاجعه برای بسیج طرفدارانشان علیه لیبرالها، طرفداران سقط جنین و... استفاده کنند اما این امر عکس‌العمل شدیدی در جامعه آمریکا برانگیخت و محکومیت آنها توسط طیف وسیعی از جمله رئیس جمهور بوش را در پی داشت. در نتیجه فالول و رابرتسون وادار به عقب نشینی شدند، معذرت خواستند و به نحوی ناشیانه مدعی شدند که اظهارات آنها خارج از متن در نظر گرفته شده است. آنها بعداً از آن نوع به خصوص کینه توزی دست برداشتند و در عوض مسلمانان را هدف آسان تری یافتند.»^(۴۱)

۴۹. کنوانسیون بابتیست جنوبی که گفته می‌شود ۱۶ میلیون پیرو دارد، در عین حال یک لابی فعال سیاسی نیز به شمار می‌رود. این جریان همچنین بزرگ‌ترین فرقه پروتستان در آمریکا است که بیش از پیش متمایل به انجام برخی فعالیت‌های سیاسی شده است.

نکته قابل توجه در دوره بعد از توهین فالول، نحوه برخورد کاخ سفید بود. سخنگویان کاخ سفید حتی در مواردی که کراراً مورد سؤال قرار می‌گرفتند از اظهار نظر در این مورد خودداری کرده و تنها به تکرار اینکه «به نظر رئیس جمهور اسلام دین صلح است» بسنده می‌کردند.^(۴۲) به

طور کلی کاملاً مشهود است که جرج بوش دیگر توجهی را که بلافاصله بعد از ۱۱ سپتامبر به تبلیغ بردباری مذهبی و جلوگیری از انجام اقدامات و طرح مطالب سوء علیه مسلمانان و اسلام نشان می‌داد، ندارد. یکی از دلایل اصلی این امر را می‌توان نفوذ بسیار بالای راست مسیحی در حزب جمهوری خواه و نقش مهمی که آنها در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۴ ایفا کردند، دانست.

۷- راست مسیحی و دعوت غیر مسیحیان

به مسیحیت

شاخه انجیلی مسیحیت به طور اعم و راست مسیحی به طور اخص با این ادعا که در انجیل بر دعوت به مسیحیت تأکید بسیار شده، اهمیت زیادی برای امر تبلیغ و دعوت قائل اند در این رابطه اشاره به فعالیتهای برخی مراکز دانشگاهی نزدیک به راست مسیحی می‌تواند برخی از ابعاد مسئله را روشن کند:

دانشگاه بین‌المللی کلمبیا یکی از مراکز عمده تعلیم میسیونر برای اعزام به سرزمینهای اسلامی با هدف تغییر مذهب مسلمانان و جلب آنها به مسیحیت است. این دانشگاه و برخی

مؤسسات دیگر مانند دانشگاه بایلور^{۵۰} برنامه‌ای آموزشی برای مبلغین مسیحی دارد. این تصور که «مسیحیت حقیقت واحد است و دیگر مذاهب ملهم از شیطان اند»، محور کارهای آموزشی در این دانشگاهها است.

خصوصاً آشکار دانشگاه بین‌المللی کلمبیا با اسلام با نظری اجمالی به پایگاه اینترنتی آن آشکار می‌شود. بعد از ۱۱ سپتامبر و شاید در عکس‌العمل نسبت به مقامات آمریکایی که کوشش داشتند تا عاملان حادثه را از مسلمانان واقعی متمایز نمایند. مطلبی در پایگاه اینترنتی مذکور قرار داده شد که در آن آمده است: «ادعای اینکه اسلام به معنی صلح است، تنها کوشش دیگری برای به بیراهه کشاندن افکار عمومی است.» و «رهبران مسلمان اعلام کرده‌اند که هدفشان اشاعه اسلام در غرب است تا آنجا که اسلام به قدرت مسلط و جهانی تبدیل شود.» در این مقاله که به قلم وارن لارسن که رئیس برنامه مطالعات اسلامی دانشگاه است نوشته شده، اظهار نگرانی شده که مسیحیت مسابقه برای تسلط بر جهان را به اسلام ببازد، چرا که به زعم نویسنده جمعیت مسلمانان با سرعت بیشتری رو به افزایش است.

فرانتیرز (مرزها) بزرگترین گروه مسیحی در جهان است که منحصراً به تلاش برای مسیحی کردن مسلمانان اشتغال دارد. این تشکیلات ۸۰۰ هیئت مذهبی (میسونری) در ۵۰ کشور، از

50. Baylor

پاسیفیک جنوبی تا شمال آفریقا، یعنی تقریباً در کلیه کشورهای عمده اسلامی دارد. پیروان کلیسای انجیلی می‌گویند که طی دهه‌های اخیر شمار میسیونرها ۴ برابر شده، و از چند صد در اوایل دهه ۱۹۹۰ به حدود ۳۰۰۰ در حال حاضر رسیده است. بسیاری از این هیئت‌ها از سوی کنوانسیون بابتیست جنوبی اعزام شده‌اند و بقیه از شبکه‌ای از گروه‌های مورد حمایت برخی کلیساها با نامهایی مانند، کرایستار^{۵۱} و Ministries Arab World آمده‌اند.^(۴۳)

کسانی که در این گروه‌ها فعالیت می‌کنند، تقریباً تماماً از پیروان کلیسای انجیلی‌اند آنها جهان اسلام را سرزمینی می‌دانند که قبل از بازگشت مسیح باید در آن نفوذ کرد. اینها معتقدند که مسیح به این خاطر تاکنون بازگشت خود را برای ۲۰۰۰ سال به تأخیر انداخته که آنها نتوانسته‌اند وظیفه‌ای را که او برایشان تعیین کرده، انجام دهند. افزایش این میسیونرها در سرزمینهای اسلامی که غالباً تحت پوشش مددکار، آموزگار، تاجر فعالیت می‌کنند، نگرانیهایی را نیز سبب شده است. این میسیونرها خود اذعان می‌دارند که فعالیت‌هایشان، جان کسانی را که مسیحی شده یا ممکن است مسیحی شوند به خطر می‌اندازد. منتقدان آنها نیز بر این عقیده‌اند که این فعالیتها، ارائه کمکهای انسان دوستانه را با مشکل مواجه می‌کند و نارضایتی از غربیها را دامن می‌زند. اما آنها که در این حرکتها فعال‌اند ادعا می‌کنند که اهمیت مأموریتشان بر ضررهای ناشی از آن برتری دارد.

بسیاری نگران‌اند که انجیلیها باعث افزایش نارضایتی و نهایتاً خصومت بیشتر مسلمانان علیه غرب خواهند شد. یکی از سربازان آمریکایی که در جریان بحران سومالی در اوایل دهه ۹۰ در آن کشور مأموریت داشته، گفته است که انجیلیها با ظاهر شدن در مراکز توزیع کمکها و توزیع مواد تبلیغی مسیحی، تنها باعث وخیم‌تر شدن اوضاع می‌شدند، آنها به این ترتیب این تصور را ایجاد می‌کردند که دریافت غذا موکول به مسیحی شدن است. وی می‌گوید مادر مواردی اطلاع یافتیم که عمل آنها باعث شورش شد و سومالیاییها ضمن غارت کمکها کامیونها را آتش زدند.^(۴۴)

یکی از تعالیمی که در دانشگاه بین‌المللی کلمبیا به مبلغین مسیحی داده می‌شود، ضرورت آن چیزی است که از آن به «قرار گرفتن در متن»^{۵۲} یاد می‌شود. مطابق این تعلیمات مبلغین می‌توانند نامهای اسلامی بر خود بگذارند، لباسها و حجاب بومی بپوشند، هنگام عبادت سجده کنند، در رمضان روزه بگیرند و نهایتاً به تعبیر یکی از این مبلغین «برای دسترسی یافتن به مسلمانان مسلمان شوند». بحث در ضرورت تشبیه به غیر مسیحیان برای جذب آنها غالباً با اشاره به روایتی در انجیل، کتاب اعمال، آغاز می‌شود که مطابق آن «یکی از حواریون، پل، از دیگری، تیمتی، که داوطلب پیوستن به او و اقدام برای مسیحی کردن یهودیان شده، می‌خواهد

51. Chirstar

52. contextualization

طی نامه‌ای به سردبیر روزنامه نیویورک تایمز نوشته‌اند که در جریان سفر به آفریقای جنوبی شمار زیادی از مسیحیان راست را در رفت و برگشت، در هواپیما دیده‌اند و در محل هم با آنها تماس داشته‌اند. این دو استاد اضافه کرده‌اند، این طور نیست که اکثر آنها به نحوی سازنده درگیر مبارزه با فقر و ایدز در آفریقا باشند، بلکه پولهای آنها عملاً صرف ساختن کلیساهای بزرگ با هدف مسیحی کردن بومیان می‌شود و از نظر مبارزه با ایدز نیز هدفشان این است که، روشهای دیگر مبارزه با ایدز را نفی و در عوض تنها خودداری از رابطه جنسی در خارج از چارچوب ازدواج را تبلیغ کنند.^(۴۶)

از طرفی، سخنگوی گروه «پاسخ به اضطراهای بین‌المللی»^{۵۵} که به ارائه کمکهای انسان دوستانه به ۸۰ کشور از سوی «سرویس جهانی کلیسا»^{۵۶} اشتغال دارد، می‌گوید که سرویس جهانی کلیسا آنها را از هرگونه تبلیغ دینی منع کرده است. وی می‌گوید تلاش برای تبلیغ مسیحیت، گروههای امداد رسان مشروع و واقعی را از کمک به نیازمندان محروم می‌سازد. به گفته او سازمانهایی که به تبلیغ مسیحیت می‌پردازند، باعث می‌شوند تا همه به یک چوب رانده شویم و اعتماد نیازمندان به کمک را از دست بدهیم. وی همچنین از سازمان

که مثل یهودیان ختنه کند.»
 بر همین مبنا در اردن میسیونرها «مسجد مسیحی» دارند، خود را «مسلمانان مسیح» می‌نامند و... به نوشته نشریه مأموریت‌های انجیلی، یک تیم در یک کشور خاورمیانه به میسیونرها خود اجازه نمی‌دهد که خود را مسیحی معرفی کنند. تیم دیگری خود را «مسیح‌گرا»^{۵۳} می‌نامد و پیرو یکی از فرقه‌های عدیده صوفی و درویشی معرفی می‌کند.

Heather Mercer و Dayan Curry دو زنی که به عنوان امدادگر به افغانستان رفته و در گروه Shelter Now فعالیت می‌کردند و سپس به اتهام تلاش برای مسیحی کردن افغانها دستگیر و زندانی شدند و در اواسط نوامبر توسط سربازان آمریکایی نجات یافتند، از فارغ‌التحصیلان دانشگاه محافظه کار بایلور و اعضای یک هیئت ۱۰۰۰ نفره انجیلی در ویکو، تگزاس بودند که به کلیسای آنتیوج^{۵۴} وابسته بودند. این گروه به گفته یکی از کشیشان وابسته به آن، به طور منظم نسبت به اعزام هیئتهایی به کشورهای خارجی با هدف «آشنا کردن مردم با خدا و تبدیل کردن آنها به پیروان مسیح» اقدام می‌کند.^(۴۵)

همچنین گفتنی است که جریانهای مختلف انجیلی با توجه به برخورداری از بنیه مالی بسیار بالا مبالغه‌هنگفتی نیز در خارج از آمریکا خصوصاً در کشورهای فقیر هزینه می‌کنند که یکی از اهداف آن پیش بردن برنامه‌های تبلیغی است. در مورد این کمکها و نقش راست مسیحی در کشورهای در حال توسعه، دو استاد دانشگاه

53. Jesus-ists

54. Antioch Community Church

55. International Emergency Response

56. Church World Service

کمک رسانی دیگری به نام «خدمات کمک رسانی کاتولیک»^{۵۷} نام می برد که در افغانستان، مراکش و مصرف‌آل است اما هرگز تلاشی برای جلب مسلمانان به مسیحیت انجام نمی دهد. وی می گوید ما اعتقادات خود را در اعمال و روابط خود و احترام برای دیگران بازتاب می دهیم. به گفته رئیس این سازمان، آنها به کارکنان خود نیز پیشنهاد تغییر مذهب نمی دهند.

معتقدان به لزوم تبلیغ در پاسخ به اینکه اقداماتشان غیرمسئولانه است چرا که جان مخاطبان آنها در کشورهای اسلامی را به خطر می اندازد، می گویند: «اذیت و آزار از نظر انجیل و با توجه به سوابق تاریخی برای ایجاد جوامع مسیحی امری عادی است و گریزی از آن نیست؛ چرا که اجتناب از تن دادن به اذیت و آزار به معنی اجتناب از تلاش برای توسعه پادشاهی خدا است.» آنها ادعا می کنند که «در نهایت، رنجهای این دنیایی مسیحیان در برابر دوزخ جاودانی که غیر مسیحیان به آن محکوم می شوند، رنگ می بازد.»

نشریه نشنال کاتولیک ریپورتر که به روحانیون کاتولیک در آمریکا نزدیک است، طی مقاله ای بر تفاوت‌های اعتقادی و فرهنگی بین «پیروان کلیسای انجیلی و پروتستانهای بینادگرا» از یکسو و کاتولیکها و پروتستانهایی که اکثریت جامعه آمریکا را تشکیل می دهند از سوی دیگر، خصوصاً از جهت برخورد آنها با کارهای کلیسا از نظر تبلیغ مسیحیت، تصریح می کند. به نوشته این نشریه «گروه اول به نص

متون دینی توجه دارند، بدون اینکه به معنی اصلی و اولیه و شأن نزول آن یا وظیفه عملی تطبیق دادن این متون با شرایط زمانی، مکانی و وضعیتهای کاملاً متفاوت توجه داشته باشند. در این صورت، وقتی انجیل فرمان می دهد که عشر برده، شما اکنون یعنی در سال ۲۰۰۲ عشر می دهی، حتی بدون توجه به اینکه مخاطب اولیه این دستور گروه خاصی در ۸ یا ۹ قرن قبل از میلاد بوده است. اگر انجیل بگوید، باید تعالیم عیسی را به همه مردمان بیاموزی، شما به قصد افغانستان سوار بر هواپیما می شوید با این هدف که به شماری از مسلمان درسی نخوانده و فقیر بگویی که مسیح تنها راه راستگاریشان است. وقتی از هیترمرسر بعد از بازگشتش از افغانستان سؤال شد که در صورت بازگشت به افغانستان آیا باز هم راجع به مسیحیت صحبت خواهد کرد وی گفت: برای من قابل تصور نیست که در صورت بازگشت به افغانستان خود را تغییر دهم.»

نشریه مذکور می افزاید که با توجه به ممنوع بودن گرویدن به مسیحیت در کشورهای اسلامی، هندو و بودایی، در صورت نقض این قوانین میسیونرها اخراج و کسانی که تغییر دین داده اند شدیداً مجازات می شوند. «علی رغم این خطرات شمار فزاینده ای از میسیونرهای انجیلی به مناطق غیر مسیحی اعزام می شوند؛ مناطقی که آن را پنجره ۱۰/۴۰ (یعنی یک منطقه



مستطیل شکل که بین ۱۰ و ۴۰ درجه طول و عرض جغرافیایی قرار گرفته و شامل غرب

آفریقا تا شرق آسیا می شود) می نامند. اکثر ۷۲ میلیارد مسلمان جهان، ۸۰۰ میلیون هند و ۳۵۰ میلیون بودایی در این منطقه زندگی می کنند. از

پانوشتها

1. Thish Durkin, Why Israel matters, a Lot, to these Christians, **The National Journal**, Vol. 34, No, 16, 20 April 2003 p.3.
2. Kristol, Following God Abroad, **New York Times**, May 21, 2002.
3. Ralph Reed, How Christians fit into the Middle East Equation, **National Public Radio**, Talk of the Nation, (Transcript), 23 April 2002.
4. William Martin; The Christian Right and American Foreign Policy, **Foreign Policy**, Spring 1999, p.9.
5. Eric Alterman; The Right Sort, **The Guardian Weekend**, 15 December 2001.
6. William Martin; The Christian Right and American Foreign Policy, **Foreign Policy**, Spring 1999, p.4.
7. **Ibid.**, p.4.
8. **Ibid.**, 4-5.
9. Nicola Kristol, following God Abroad, **New York Times**, May 21, 2002.
10. William Martin: The Christian Right and American Foreign Policy, **Foreign Policy**, Spring, p.2.
11. **Ibid.**
12. William Martin, **op.cit.**, p. 12.
13. **The Washington Post**, 4 October 1998.
14. Christine Miller, McCain delivers hard left to Christian Right, **Los Angeles Times**, 29 February 2000.
15. Norman Podhoretz, **The Christian Right**

آنجا که این کشورها به کسانی که خود را صریحاً مبلغ مذهبی معرفی می کنند، اجازه ورود نمی دهد، در نتیجه آنها به عنوان کمک رسان، معلم، دکتر، پرستار، هنرمند، مهندس وارد این کشورها می شوند.

نشریه مذکور همچنین می افزاید: «شورای دوم واتیکان در اعلامیه آزادی مذهبی و نیز در فرمان مربوط به فعالیتهای میسیونری کلیسا نگرانیهایی جدی در مورد تلاش برای دعوت دیگران به مسیحیت ابراز کرده است. در متن نخست به صراحت استفاده از هرگونه فشار ناروادرجریان تلاش برای دعوت به مسیحیت، خصوصاً در ارتباط با افراد بی سواد و فقرا صراحتاً منع شده است. چنین روشی سوء استفاده از حق خود و تجاوز به حقوق دیگران تلقی می شود.» در این نشریه همچنین از تفاوتهای موجود بین کاتولیکها و انجیلیها در ارتباط با امر تبلیغ چنین یاد شده است: «میسونرهای کاتولیک برخلاف همتهای انجیلی اشان اعتقاد دارند که کمکی که آنها ارائه می دهند و دلسوزی که نسبت به نیازمندان نشان می دهند برای نشان دادن ایمان مسیحی آنها کافی است، خصوصاً با توجه به ظرایف حقوقی،

- Washington Post**, May 05, 2002.
۳۲. پادهورتز در اینجا تلاش راست مسیحی برای جلب پیروان دیگر ادیان را که گویای تهاجمی بودن حرکت آنهاست، نادیده می‌گیرد. جلوتر به این موضوع پرداخته شده است.
33. Norman Podhoretz, **op.cit.**
34. Cantor, David. **The Religious Right: The Assault on Tolerance & Pluralism in America**. Anti-Defamation League (New York, ADL, 1994).
35. **Bloomberg News**, 29 May 2002.
36. William E. Sutter; The Zion Connection: Jews and Christians-Christians-Common Ground. **WWW.foigm.org/img/common**.
37. **Forward**, 21 June 2002.
38. David Klinghoffer, Why American Jews Should Learn to stop Worrying and love Conservatives Christian, Toward Tradition, **www.towardtradition.org**
39. Nina J. Easton, **power and Glory**, the American Prospect, vol. 13, no. 9, May 2002.
40. Susan Sachs, Islam, Inciting Cries of Intolerance, **New York Times**, 15 June 2002.
41. Farid Zakaria; Time to Take On America's Haters, **Newsweek**, October 21, 2002.
42. E.J. Dionne Jr, Politics, Money and Guns, **The Washington Post**, October 18, 2002.
43. Barry Yeoman, Mission impossible, **Independent** on Sunday (London) July 7, 2002.
44. Barry Yeoman, **op.cit.**
45. Ron Moreau; Delivered from Evil, **Newsweek**, 26 November 2001.
46. **The New York Times**, 27 May 2002.
47. Richard McBrien, Examples, not Proselytism, is best witness to Christian Faith, National Catholic Reporter, 18 January 2002
- and its Demonizers**, National Review, 04/03/2000, Vol. 52 Issue 6, p. 30.
16. Nina J. Easton, **Power and Glory**, the American Prospect, vol. 13, no. 9 May 2002.
17. **Ibid.** p.2.
18. Institute for First Amendment Studies; **Reed Masks Christian Coalition's True Agenda**, Feb. 1995, www.ifas.org.
19. Richard Cizik, Washington Director of the National Association of Evangelicals quoted in N.D. Kristol, Following God Abroad, **New York Times**, May 21, 2002.
20. William Martin; The Christian Right and American Foreign Policy, **Foreign Policy**, spring 1999, p. 1.
21. **Ibid.**, p.5.
22. **Ibid.**, p.6.
۲۳. در مورد نظرات راستهای مسیحی در مورد برخی از کنوانسیونهای اجتماعی بین‌المللی به سایت شورای تحقیق خانواده تحت مدیریت گری بوئر مراجعه شود:
<http://www.frc.org/>
۲۴. لازم به یادآوری است که فعالان حقوق بشر سنتی معمولاً به عنوان جریانهای لیبرال و چپ شناخته می‌شوند.
۲۵. مقاله زیر حاوی شرحی در مورد طرح و شکل‌گیری این گونه حرکات در هیئت‌های کلیسایی دارد:
Jashua Green; God's **Foreign Policy**, Washington Monthly, Nov 2001, Vol. 33 Issue 11, p. 26.
26. **Foreign Policy**, **op.cit.** p.5.
27. Allen Hertzke, How Christians fit into the Middle East Equation, **National Public Radio**, Talk of the Nation, (Transcript), 23 April 2002.
28. Thish Durkin, **op.cit.**
29. **Ibid.**
30. Sharon Saber: Jewish Telegraphic Agency, 28 May 2002.
31. Mary McGrory, DeLay Diplomacy, The